

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir
 شنبه ۲۶ تیر ۱۴۰۰ ۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ ۱۷ جولای ۲۰۲۱
 سال هجدهم • شماره ۴۰۵۳ • ۱۲ صفحه
 اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۴۰
 اذان صبح فردا ۴:۲۰ • طلوع آفتاب ۶:۰۲
 fardashargh@gmail.com
روزنامه‌روا

چاپ‌یداران با چند قاطر به دل جنگل‌های مازندران می‌روند و درخت‌هایی که توسط جنگل‌بانان انتخاب شده قطع و از جنگل خارج می‌کنند. / عکس: احسان فضل‌امانلو، ایرنا **نور نوشت**



زیر پوست غزه

دریا مال ماست

غزه را با انواع کمبودها و تحریم‌ها می‌شناسیم؛ اما زندگی زیر پوست این شهر جریان دارد. به‌تازگی روتیزر گزارشی از انجمنی که در تلاش برای بازیافت وسایل هستند، تهیه کرده و معتقد است می‌تواند این شیوه به‌عنوان الگویی از بازیافت خلاقانه ارائه شود. انجمن «دریا مال ماست» حوزه فعالیت خود را در کافه‌ای ساحلی بنا نهاده است. این کافه در یکی از پرجمعیت‌ترین مکان‌های روی زمین قرار دارد و در کنار قهوه صبحگاهی آماده خود، یک تجربه سالم محیط‌زیستی ارائه می‌دهد. «علی منا» یک هنرمند محلی و گروهش مجموعه‌ای ساخته از تیرهای چوبی، کوزه‌های پلاستیکی، لاستیک و آجرهای شکسته طراحی کرده و ساخته‌اند. این انجمن فرصتی است برای اینکه همه با تجربه‌های جدیدی روبه‌رو شوند. «منا» که دفتر خود را با در ریخ‌جال و پنجره‌هایی که قبلاً درهای ماشین لباسشویی بود، ساخته می‌گوید: «مادر می‌خواست من پزشکی شوم. قرار نیست که حتماً پزشکی برای مردم باشم، می‌توانم پزشک دریا باشم، یک پزشک که می‌تواند چندین بیماری را درمان کند». او با پوشیدن لباس یک‌دست آبی، تلاش می‌کند برای هر پیر و جوانی که به آنجا می‌آید فرصتی برای فعالیت در این مکان



انجمن فرصتی است برای اینکه همه با تجربه‌های جدیدی روبه‌رو شوند. «منا» که دفتر خود را با در ریخ‌جال و پنجره‌هایی که قبلاً درهای ماشین لباسشویی بود، ساخته می‌گوید: «مادر می‌خواست من پزشکی شوم. قرار نیست که حتماً پزشکی برای مردم باشم، می‌توانم پزشک دریا باشم، یک پزشک که می‌تواند چندین بیماری را درمان کند». او با پوشیدن لباس یک‌دست آبی، تلاش می‌کند برای هر پیر و جوانی که به آنجا می‌آید فرصتی برای فعالیت در این مکان

همین حوالی

بنی‌اعتماد، فیلم‌نامه‌ای از «منصف» را کارگردانی می‌کند

رخشان بنی‌اعتماد متقاضی پروانه ساخت شده است و طبیعتاً پس از گرفتن پروانه ساخت درباره جزئیات عوامل و بازیگران آن توسط روابط عمومی فیلم خبررسانی خواهد شد. ۲. فیلم‌نامه‌نویس «مه‌گرفتگی»، اسماعیل منصف است؛ نویسنده و کارگردان فیلم تحسین‌شده «زغال». او به پشتوانه پیشینه‌ای موفق در فیلم کوتاه و همچنین تجربه موفق در ساخت اولین فیلم بلند خود در این پروژه به عنوان فیلم‌نامه‌نویس حضور دارد. ۳. تعجیل برخی از رسانه‌ها در انتشار جزئیات

زیر پوست شهر

برخوردهای سلیقه‌ای با حیوانات



زهرامشتاق

طرح جدید جمع‌آوری سگ‌هایی که شناسنامه و صاحب دارند، قابل درک نیست. در کشوری که هر چند وقت یک‌بار ویدئوهای تکان‌دهنده‌ای از برخوردهای خشنوت‌بار با حیوانات از اهلی تا وحشی منتشر می‌شود، وضع چنین مقرراتی شرایط را به مراتب اسفناک‌تر می‌کند. در وضعیتی که مردم با مشکلات عدیده و فرساینده‌ای دست‌به‌گریبان هستند، دربرخ کردن اندک داشته‌هایی که حق طبیعی و قانونی آنان است، ایجاد نارضایتی عامدانه میان قشر وسیعی از دوستداران حیوانات است. چنین محدودیت‌هایی که در هیچ کجای قوانین رسمی این کشور ذکر و تصویب نشده است، خاستگاهی جز سلاطین شخصی و مقررات خلق‌الساعه در میان مدیران ندارد. پرسش این است که در این اوضاع ناسامان از قطع مکرر برق و آب گرفته تا ازدواج‌های اجباری، بی‌پولی، ویدعه‌ها و اجاره‌های سنگین مسکن، کساد کسب‌وکار، بیک‌های پنجم و احتمالاً ششم کووید۱۹ و ورود دلتاکرونا، نبود واکسن و سفر به ارمنستان برای واکسینه‌شدن، مستقرشدن طالبان در مرزهای افغانستان و در هسایگی ایران و سیستان و بلاتکلیفی مذاکرات پنج‌به‌علاوه یک ووو... واقعا هیچ چیز دیگری مهم‌تر از توقیف سگ‌های بیچاره نبود؟ اصلاً سگ‌هایی که اغلب دارای شناسنامه و خانواده هستند، به چه دلیل و چرا باید جمع‌آوری شوند؟ مگر حیوانات در چگونگی خلق خود دخالت یا اجازه‌ای داشته‌اند؟ مثلاً یک سوسک خودش خواسته که سوسک خلق شود؟ یا ما که انسان آفریده شده‌ایم، خودمان در اینکه چه موجودی خلق شویم، نقش داشته‌ایم؟ آیا صرف انسان‌بودن می‌تواند مجوزی برای کشتار یا زندانی کردن یا ایجاد هرگونه محدودیت دیگر، برای انواع مخلوقات از پرند تا چرند و خزنده باشد؟ این همه محدودیت از کجا می‌آید؟ حظور به خود اجازه می‌دهد این اندازه حیوانات را دچار رنج سازد؟ در خوبی حیوانات همان بس که هیچ‌کدام از معایب ما اشرف مخلوقات‌ها در حیات و منش آنها نیست. اگر شکار می‌کنند تنها به اندازه قوتشان است. جنگ نمی‌کنند. صمب نمی‌سازند. نسل‌کشی نمی‌کنند. جنگ آنها وقتی است که ما انسان‌ها با دادن لفلل تند سگ‌ها و خروس‌ها را به جان هم می‌اندازیم، چون انسان‌های بیمار و بی‌رحمی هستند که عاشق جنگ‌های گلابیاتورگونه هستند. در همین ایران خودمان، به هر باغ‌وحشی که برود، مشت‌های حیوانات غمگین، افسرده و دچار جنون می‌بینید که در دست‌های بی‌رحم ما اسیر شده‌اند. در ورودی پارک‌ها نوشته شده ورود حیوانات ممنوع. در مترو نمی‌توانیم حیوانی همراه داشته باشیم. حالا خیابان هم از آنها دروغ می‌شود؟! پس بی‌دلیل نیست که سگ‌های بیچاره را با دست و دهان بسته در بیابان رها کرده‌اید تا بمیرند. به آنها سم تزریق می‌کنید. به آنها شلیک می‌کنید. برای جسد بی‌جان‌شان جایزه می‌دهید. حظور است یک دفعه همه حیوانات را قلع‌وقمع کنید. دست



از سر حیوانات برمی‌دارید؟ درحالی‌که در کشورهای متمدن یکی از شاخه‌های توسعه آن کشورها میزان دوستی و چگونگی ارتباط با حیوانات است. خودتان فهم کنید که ایران از این منظر چه جایگاهی دارد؟ به تصاویر تکان‌دهنده کشتن یک بچه پلنگ نگاه کنید. یا آتش‌زدن و کشتن توله خرس‌ها و ددها و ددها مورد تلخ و دردناک دیگر. مقصر کیست. تک‌تک ماهایی که به‌راحتی و بدون هیچ دلیل موجه و منطقی حیوانات را از زندگی انسان‌ها با میل و سلیقه شخصی خود جدا می‌کنیم. شما با چنین تصمیم‌هایی مروجین خشونت در جامعه‌ای هستید که خود رو به افسردگی و افسارگریختگی است. مهربانی با حیوانات نشان‌دهنده درون سلامت انسان هاست و ما با ایجاد این شکاف عامدانه سبب‌ساز بداخلاق‌های جدی هستیم و زمانی نچندان دور موظف به پاسخ‌گویی خواهیم بود.

یادبود

عاشق فیلم‌های ۹۰ دقیقه‌ای زمین سبز



عباس باری

با چهره‌های معروف سینمایی هم موجب شده بود تا بسیاری از مصاحبه‌های اختصاصی آن زمان مجله فیلم را حمیدرضا صدر تهیه کند. ما سال‌ها با هم در مجله فیلم همکاری داشتیم و گزارش‌های زیادی از جشنواره‌های مختلف به قلم او در مجله فیلم چاپ شد؛ اما سال‌ها بعد مک‌کم حمید از سینما به سمت فوتبال تغییر مسیر داد و دیگر کمتر درباره سینما می‌نوشت و بیشتر درباره فوتبال می‌نوشت و حرف می‌زد. گرچه این مسئله هیچ‌گاه در رفاقت ما تأثیری نگذاشت و ما همیشه در ارتباط بودیم و فیلم‌ها و تئاترهای زیادی را با هم دیدیم. حمیدرضا و همسرش در این سال‌ها یکی از بهترین دوستان من بودند که تا زمانی که در ایران بودند، با هم روزگار زیادی را می‌گذراندیم.

هیچ وقت روزهای جشنواره را از یاد نمی‌برم که حمیدرضا، به خاطر آشنایی من با عوامل اجرایی جشنواره یا سینماها می‌خواست با هم به تماشای فیلم برویم؛ ولی وقتی وارد سینما می‌شدیم، می‌دیدم که همه حمیدرضا صدر را بیشتر از من می‌شناسند و با او خوش‌ویش می‌کنند. شاید همه اینها هم به خاطر شخصیت دوست‌داشتنی او و البته صحبت‌های با شور و حرارتش از فوتبال بود. او سال‌ها در تلویزیون و رسانه‌های ورزشی ایران هم از فوتبال نوشت و حرف زد.

نکته جالب برای من این بود که او فوتبال را هم به یک درام پرهیجان تبدیل می‌کرد؛ زوایای شادای‌آور یا هیجان‌انگیز بازی را از دل یک مسابقه بیرون می‌کشید و با تفسیری سینمایی با‌زگو می‌کرد. تفسیرهای فوتبالی‌اش به یک نقد جذاب سینمایی خیلی نزدیک بود.



جالب است که تقریباً حدود استاندارد فیلم‌های سینمایی هم ۹۰ دقیقه است و من در تفسیرهای حمیدرضا صدر همین را می‌دیدم که انگار یک فیلم

نمی‌دانستم که او به فوتبال علاقه‌مند است. ما در «مجله فیلم» با «حمیدرضا صدر»ی آشنا شدیم که عاشق سینما بود و عمده معاشرت و رفاقت ما در این سال‌ها بر سر سینما بود.

بسیار خوش‌مشرب و خوش‌محضر بود و در هر جمعی خیلی زود جا می‌افتاد و همین مسئله به او کمک می‌کرد که در آن سال‌ها، در جشنواره‌های فیلمی که شرکت می‌کرد، حتی با چهره‌های جهانی سینما به‌سرعت دوست شود، معاشرت کند و از هر در بسته‌ای وارد شود...

همان‌طور که علاقه‌مند به حضور در ورزشگاه‌ها بود، علاقه زیادی هم به شرکت در جشنواره‌های سینمایی داشت و تسلطش به زبان انگلیسی در کنار همین راحتی ذاتی در برخورد

چهره هفته

«سعید نمکی» با این اظهارنظر «چهره هفته» «شرق» شد:

...خورد اگر کسی به مردم سیستان و بلوچستان توهین کرد!

ادبیات مدیران وزارت بهداشت ایران هفته به هفته وارد فاز عجیب‌تری می‌شود. این برای چندمین هفته است که سعید نمکی یا یکی از مدیرانش با به‌کاربردن واژه‌های خارج از دایره ادب، به‌عنوان چهره هفته انتخاب می‌شوند. در روزگاری که ایرانی‌ها با بیک‌های متعدد کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کنند و هیچ دورنمای روشنی از بهبود وضعیت مهار این بیماری ندارند، این مدیران وزارت بهداشت هستند که با ادبیات خارج از عرف خود، مردم را بیشتر عصبانی می‌کنند. سعید نمکی این هفته به سیستان و بلوچستان رفته بود؛ استانی که روزگار سیاهی در مبارزه با بیماری کرونا را پشت‌گرفته بود نداشتن برق اضطراری سر می‌گذارد. مردم محلی، خبرنگاران بومی و نمایندگان مجلس در این هفته‌ها



shargh.newspaper

اتفاق



پدس العربی: دادگاهی در الجزایر سلیمان الریسونی، سردبیر روزنامه منحل‌شده «اخبارالیوم» را به پنج سال زندان محکوم کرد. الریسونی که در پی بیش از ۹۰ روز انقباض غذا بیشتر وزن خود را از دست داده است تا به امروز آخرین فرد در میان روزنامه‌نگاران است که به اتهام ارتکاب جرائم جنسی دادگاهی می‌شود.



بی‌بی‌سی: مردی در چین که ۲۴ سال را در جست‌وجو فرزند روده‌شده‌اش گذرانده بود، سرانجام او را پیدا کرد. گواگانگانک برای پیداکردن فرزندش با موتور، مسیری در حدود نیم‌میلیون کیلومتر را طی کرده بود. قاجاقچیان انسان سپر او را هنگامی که دوساله بود در مقابل خانه‌شان در استان شاندونگ روبروند.



خامه‌پرس: حامد کرزی از جوانان این کشور خواست که سرزمین‌شان را ترک نکنند. او گفت روزی خواهد آمد که یک زن رئیس‌جمهوری افغانستان شود. رئیس‌جمهور پیشین افغانستان از جوانان خواست به کشور خودشان اعتماد کنند زیرا به گفته او به زودی صلح خواهد آمد و نظام جمهوری باقی خواهد ماند.



بی‌بی‌سی: «بیا» شخصیتی مجازی است که سامانه هوش مصنوعی بانک برادسکو در برزیل برای ارائه خدمات و پاسخ‌گویی استفاده می‌کند. او واحد کنترل کیفیت متوجه شد محتوای ۹۵ هزار پیغام، توهین، خشونت یا آزار جنسی بود. حالا تغییری در نحوه پاسخ‌گویی این ربات رخ داده و قاطع‌تر پاسخ می‌دهد. «شاید این پیام برای شما شوخی باشد ولی این برای من خشونت است.»



یورونیوز: لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور پیشین برزیل که به تازگی از زندان آزاد شده، در گفت‌وگویی به انتقاد از سیاست‌های ژائیر بولسونارو درباره مبارزه با بیماری کرونا پرداخته است. او اقدامات بولسونارو را به‌نوعی نسل‌کشی دانسته و می‌گوید: با این میزان مرگ‌ومیر در برزیل کاری که او کرده یک نسل‌کشی است.



فرانس ۲۴: تهدید امانوئل مکرون جواب داد و جنب‌وجوشی در فرانسه برای تزریق واکسن رخ داد. او به تازگی با اشاره شیوع گونه دلتا کرونا از اعمال محدودیت‌ها برای شهروندان فرانسوی که واکسن تزریق نکرده‌اند، خبر داد. همین اظهارنظر موجب شد تا سایت نام‌نویسی دریافت واکسن در فرانسه از دسترس خارج شود.